

A Review and Critique of Dr. Saha's Theory on the Guidance of Verses, and the Justice of the Prophet (PBUH). with an Approach to Surah Tahrir

Sohrab Morovati  *

Professor of Quran and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran

Masoumeh Rahimi 

Ph.D. Student of Quran and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran

Accepted: 10/12/2022

Abstract

One of the most important functions of the verses of the Qur'an is human growth and excellence in the shadow of correct education. Therefore, one of the richest approaches to the verses is their interpretation based on educational issues and the reasons for their correct revelation. In this regard, the Holy Qur'an introduces the Prophet as a good example. On the other hand, some accuse him of injustice based on unscientific and intentional material, and based on the reasons for the incorrect revelation of verses, and consider the Holy Qur'an to be ineffective in guiding human beings due to mentioning these private issues of his life. According to them, the design of these issues in the Qur'an shows that the Qur'an is fabricated and ungodly. The first verses of Tahrir surah are one of the issues raised on this claim. Therefore, the present study, with a descriptive, analytical approach, with a library method and citing reliable sources, has revealed the reasons for the real revelation of this surah and has responded to the doubts in this regard. Finally, it has examined the usefulness of the verses in cases such as negligence, compassion, resolving the truth, secrecy, realism in expectations, and so on.

Received: 03/12/2021

eISSN: 2476-6070


Keywords: Surah Tahrir, Wives of the Prophet, Qur'anic Doubts, Justice of the Prophet, Reasons for Revelation.


ISSN: 2228-6616

* Corresponding Author: s.morovati@ilam.ac.ir

How to Cite: Morovati, S., Rahimi, M. (2021). A Review and Critique of Dr. Saha's Theory on the Guidance of Verses, and the Justice of the Prophet (PBUH) with an Approach to Surah Tahrir, *Journal of Seraje Monir*, 12(43), 31-67.

بررسی و نقد نظریه دکتر سها در هدایت‌گری آیات و عدالت پیامبر(ص) با رویکردی بر سوره تحریم

سهراب مروتی *  استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

معصومه رحیمی  دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

چکیده

مبارزه با قرآن کریم و شخصیت والای پیامبر اکرم(ص) به روش‌های مختلفی، شبهه افکنی، از صدر اسلام تاکنون مورد اهتمام دشمنان بوده است. دکتر سها در کتاب نقد قرآن، با استناد به مطالبی غیرعلمی و غرض ورزانه و با القای شبهاتی، پیامبر(ص) را به بی‌عدالتی در حق همسران متهم نموده و قرآن کریم را به دلیل ذکر این مسائل خصوصی زندگی ایشان، بی‌تأثیر در هدایت انسان‌ها می‌داند و طرح این مباحث در قرآن را، نشان‌دهنده ساختگی و غیر الهی بودن قرآن بیان می‌کند. آیات ابتدایی سوره تحریم یکی از مواردی است که برای اثبات این ادعا به آن استناد نموده است. از این رو پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی، تحلیلی، با روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع معتبر، از اسباب نزول واقعی این سوره، پرده‌برداری کرده و به شبهه وارده در این زمینه که در کتاب نقد قرآن مطرح گردیده، پاسخ داده است. به گونه‌ای که دلایل ناقد قرآن نمی‌تواند به آن خدشه‌ای وارد سازد و در انتها جنبه‌های هدایتگری آیات را در مواردی چون تغافل، شفقت، حل‌یمن، رازداری، واقع‌بینی در انتظارات و... مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: سوره تحریم، همسران پیامبر، شبهات قرآنی، عدالت پیامبر، اسباب نزول، دکتر سها.

۱- مقدمه

قران کریم کتاب هدایت جامعه بشری در پهنه تاریخ و برای همه عصرها و نسل‌ها تا روز قیامت است (بقره/۱۸۵) و تمامی آیات آن بیانگر مسیر سعادت و رشد انسان است. با توجه به اینکه دستورات مهمی در تمامی ابعاد برای هدایت بشر مورد نیاز است، قران کریم در بسیاری موارد به بیان کلیات و مفاهیم اصلی پرداخته و بیان جزئیات را به سنت سپرده است. وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ... (نحل/۴۴).

یکی از مسائل کلی که در آیات مختلفی (احزاب/۲۸، ۳۰، ۳۱، ۵۱؛ تحریم/۳، ۶) به آن پرداخته است، ذکر بعضی از مسائل خصوصی زندگی پیامبر(ص) و همسران ایشان است. پرداختن به این مسائل، علاوه بر آنکه نیاز به تبیین دارد، این پرسش را ایجاد می‌کند که ذکر این‌گونه مطالب در قران، چه سودی برای جامعه بشری دارد؟ و چرا مؤمنان به قرائت مداوم آیاتی ترغیب می‌شوند که از نظر محتوا و مفهوم، ارتباطی با آنان ندارد، یا اصولاً زمان عمل به آن‌ها پایان یافته است؟ ضمن اینکه این آیات، به شبهه «خصوصی‌سازی» بخش‌هایی از قران توسط پیامبر(ص) که از سوی مغرضان مطرح می‌شود، دامن می‌زند (ایروانی، ۱۳۹۸، ص ۹).

با توجه به باور مسلمانان در الهی بودن قران کریم و هدایت بخش بودن همه آیات این معجزه جاوید، بررسی ادعای مخالفان در زمینه نداشتن برخی آیات قران در هدایت ضروری است. در این خصوص با تأکید بر شبهه دکتر سها در خصوص آیات سوره تحریم و مطرح نمودن بی‌عدالتی پیامبر(ص) در حق همسرانش، جایگاه این آیات در کارکرد هدایتی قران کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مکتب اصیل اسلام، برخلاف ادعای مادی‌گرایان، نه تنها از هر نوع تبعیضی به شدت نهی شده است، بلکه بر رعایت عدالت در همه ابعاد فردی و اجتماعی تأکید شده است. در روایتی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۰۷) بر این اساس، یکی از شعارهای اساسی حاکمان، گروه‌ها و اشخاصی که به نوعی تلاش دارند به حاکمیت سیاسی و اجتماعی برسند، برقراری و اجرای

عدالت است. قرآن کریم یکی از اهداف رسالت پیامبر(ص) را اجرای عدالت در تمام ابعاد آن می‌داند: ... وَ أَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ... (شوری/۱۵) و سیره او را در اجرای فرامین الهی، به عنوان معیار و الگو به بشریت معرفی نموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا: مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب/۲۱). رسولی که نمونه عالی مکارم اخلاق و عالی‌ترین و ممتازترین نمونه یک انسان کامل است، (گیلانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۱۹) - در طول حیات پرافتخار خویش، صحنه‌های بسیار شکوهمندی را در ابعاد گوناگون اعتقادی و اخلاقی آفریدند. با بررسی سیره و سنت آن حضرت در سراسر زندگی پر برکتشان الگویی کامل و جامع را می‌توان در دسترس انسان‌های جویای عدالت قرارداد (ابن هشام، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۴۳). ایشان در تمام طول زندگی خویش و به‌ویژه در دورانی که در مدینه النبی، اقدام به تشکیل حکومت و ساختار سیاسی نموده‌اند، خود را کاملاً ملزم به اجرای قوانین الهی، بدون هیچ‌گونه تبعیضی در میان مسلمانان می‌دانستند. به گونه‌ای که در زندگی خانوادگی، خود را کاملاً ملزم به اجرای عدالت می‌دانستند (مطهری، بی تا ص ۱۱۹). در جریان فتح مکه زنی از قبیله بنی مختم سرقت نمود و از پیامبر(ص) درخواست شفاعت او را کردند، در پاسخ فرمودند: «اقوام و ملل پیشین دچار سقوط و انقراض شدند بدین سبب که در اجرای قانون عدالت تبعیض روا می‌داشتند، هرگاه یکی از طبقات بالا مرتکب جرمی می‌شد او را از مجازات معاف می‌کردند و اگر کسی از زیردستان به جرم مشابه آن مبادرت می‌کرد او را مجازات می‌نمودند، قسم به خدایی که جانم در دست اوست در اجرای عدل درباره هیچ‌کس فروگذاری و سستی نمی‌کنم، اگرچه مجرم از نزدیک‌ترین خویشاوندان خودم باشد» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۵۲).

اما در طول زمان افرادی بوده‌اند که به دلیل کینه و دشمنی با اسلام، از هیچ بهانه و افترائی بر این کتاب آسمانی و شخصیت والای پیامبر اسلام فروگذار نکرده‌اند. به گونه‌ای که در قرون اخیر و با شروع نهضت رنسانس در جهان غرب، این مسئله نمود بیشتری پیدا

بررسی و نقد نظریه دکتر سها در هدایت‌گری آیات و عدالت...؛ مروتی و رحیمی | ۳۵

کرد. لذا شبهات و مکاتب جدیدی در مقابله با آیات الهی و رسالت پیامبر اکرم(ص) شکل گرفت. علی دشتی در کتاب بیست‌وسه سال رسالت، این ادعا را مطرح کرده است که قرآن به ذکر مسائل خصوصی زندگی پیامبر(ص) پرداخته است و از طرح این مسائل در قرانی که ادعای شریعت ابدی دارد، اظهار تعجب می‌کند (دشتی، بی تا ص ۲۲۴). شجاع‌الدین شفا در بیان دیگری می‌گوید: «اگر قرآن، پیام آسمانی برای همه مردمان و برای همه دوران‌هاست، چگونه مسائلی را که از لحاظ زمانی و مکانی، تنها به امور معیشتی از زندگی روزمره پیامبر(ص) اختصاص دارند، می‌تواند در آن طرح شده باشد» (شفا، ۱۳۷۸، ص ۴۹). یکی دیگر از کسانی که در این زمینه شبهاتی را مطرح کرده است، نویسنده کتاب نقد قرآن است که نام مستعار دکتر سها را برای خود برگزیده است و به ادعای خودش در مقدمه کتاب سنی مذهب بوده و در اکثر علوم اسلامی صاحب‌نظر (نقد قرآن، ص ۱۲). این کتاب به ادعای مخالفان یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب‌ها در زمینه نقد قرآن است. ایشان در تمامی مباحث این کتاب، سعی دارد، الهی بودن قرآن را زیر سؤال ببرد و آیات قرآن را بر این اساس تفسیر کند و به خواننده این حس را القاء کند که قرآن برای رفع نیازها و بر آوردن نیازها و خواسته‌های پیامبر(ص) نگاشته شده است. وی از این طریق کارکرد هدایت‌گری قرآن را زیر سؤال برده و الهی بودن آن را نفی می‌کند (جعفری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰). سها با ذکر آیاتی که مسائل خصوصی زندگی پیامبر(ص) را بیان نموده‌اند، به طرح شبهاتی پرداخته که در آن‌ها پیامبر(ص) را متهم به بی‌عدالتی در حق همسران و همچنین آیات قرآن را بی‌تأثیر در هدایت انسان‌ها می‌دانند.

بنابراین، نگارنده این مقاله، با شیوه تحلیل محتوا و اسباب نزول سوره تحریم، به دنبال بررسی این مسئله خواهد بود که برداشت از آیات ابتدایی سوره چه میزان با اسباب نزول واقعی از این آیات و سیره پیامبر اسلام(ص) سازگاری دارد و ذکر این مسائل خانوادگی، چه مقدار جایگاه هدایت‌گری قرآن کریم را به تصویر کشیده است؟

۱-۱ نظریه دکتر سها در رد عدالت پیامبر(ص)

نویسنده کتاب نقد قرآن، معتقد است پیامبر در حق همسرانش نا عدالتی داشته است. یکی

از این نا عدالتی‌ها، در حق حفصه در جریان نزول آیات ابتدایی (۵-۱) سوره تحریم است که این‌گونه به آن می‌پردازد:

«ماریه قبطیه یکی از کنیزان زیبای محمد بود که به او، پس از عایشه و زینب بنت جحش علاقه فراوان داشت. روزی محمد به خانه حفصه رفت. حفصه برای دیدن پدرش بیرون رفته بود. محمد در خانه حفصه، با ماریه هم‌بستر شد. در این حال حفصه سررسید و فریاد و گریه بلند کرد که تو در روز مخصوص من و در خانه و بستر من چرا چنین کردی؟ محمد قسم خورد که اگر این موضوع را افشاء نکنی، من ماریه را بر خودم حرام می‌کنم. ولی حفصه موضوع را به عایشه گفت. محمد پس از مدتی، از تحریم ماریه زیباروی بر خود پشیمان شد و آیات ۱ تا ۵ را نازل کرد و ماریه را بر خود حلال کرد.» (نقد قران، ص ۴۳۷).

«این کار محمد حداقل بی‌عدالتی در حق حفصه بوده است. ثانیاً اگر گفتن حفصه به یک نفر (عایشه) گناه بوده، افشاء آن در قران برای همه تاریخ گناه بزرگ‌تری است، ولی زنان (عایشه و حفصه) گناهکار قلمداد شده‌اند، نه محمد. ثالثاً: اگر افشاء گناه بوده، حفصه گناهکار است نه عایشه، درحالی‌که عایشه هم گناهکار قلمداد شده است. رابعاً: به آیه آخر توجه کنید که با داشتن تعداد زیادی همسر و کنیز، هنوز هم محمد در اشتیاق گرفتن زنان و دوشیزگان دیگری است. این کار محمد و این اشتیاق او به‌خوبی، میل شدید شهوانی او را نشان می‌دهد که نبوت ادعایی او به‌خوبی آن را تأمین کرده؛ اما سؤال مهم این است که این داستان خصوصی شهوانی چه سودی برای کل انسان‌ها دارد که در قران آمده است؟ و آیا واقعاً این خداست که برای محمد از زنانش جاسوسی می‌کند و به‌دقت مراقب لذت جنسی محمد است؟ و لذت محمد از رابطه جنسی با ماریه آن‌قدر برای خدا اهمیت داشته که برای موضوعی به این حقیری چندین آیه نازل می‌کند» (همان منبع، ص ۴۳۸).

۲-۱ تحلیل و بررسی

پیش‌فرض این شبهه و طرح این ادعا آن است که مطرح نمودن این جریان، بیان مسائل خانوادگی ایشان است؛ و این مسئله‌ای شخصی است. و ذکر این مسائل خصوصی ثمره‌ای

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت ...؛ مروتی و رحیمی | ۳۷

برای بشریت ندارد و از طرف دیگر نیز بیانگر میل شدید شهوانی پیامبر(ص) است. برای بررسی این ادعا، در ابتدا اسباب نزول‌های ذکرشده در تفاسیر مختلف که در مورد این جریان بیان گردیده، مطرح می‌گردد:

۱- حضور پی‌درپی پیامبر(ص) در منزل زینب بنت جحش و نوشیدن از شربت عسل: در این داستان عایشه و حفصه قرار می‌گذارند که بعد از حضور پیامبر در منزل زینب بنت جحش، به منزل هر کدام از آن‌ها وارد شود، به او بگویند دهان شما بوی مغفیر می‌دهد، مگر از آن نوشیده‌اید؟ «آن زنان چنین کردند؛ و پیامبر(ص) فرمودند: دیگر هرگز از آن نخواهم خورد. آنگاه پیامبر(ص) از عایشه می‌خواهند این راز را (تحریم شربت عسل) نزد کسی فاش نکنند، اما عایشه آن را فاش می‌کند.» این داستان به صورت‌های مختلف در منابع فریقین آمده است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ طوسی، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۴۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۸؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۱۶۷؛ مسلم، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۸۴).

۲- تخلف از نوبت: در این داستان، پیامبر(ص) در روزی که نوبت حضور در منزل حفصه بود، در غیاب او با ماریه قبطیه (کنیز او) هم‌بستر شد و چون حفصه از این ماجرا مطلع شد، از این ماجرا خشمگین و ناراحت شد و به پیامبر اعتراض کرد، پس از این اعتراض، رسول خدا فرمود: «به خدا سوگند راضی‌ات می‌کنم و من نزد تو سرّی می‌سپارم، ولی آن را حفظ کن. حفصه پرسید: آن سرّ چیست؟ فرمود: آن، این است که به خاطر رضایت تو، این کنیزم بر من حرام باشد و تو شاهد آن باش.» او ماریه را بر خود حرام کرد، اما حفصه سرّ را فاش کرد. این داستان گاه به همین صورت و گاه با تفاوت در افراد، در تفاسیر فریقین آمده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۷۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۱۰۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۳۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۸).

۳- خلافت ابوبکر و عمر، سرّ فاش شده در سبب نزول آیه: در این داستان پیامبر(ص) بعد از تحریم ماریه بر خود، حفصه را به خلافت ابوبکر و عمر بعد از خود خبر داد؛ و از او خواست این سرّ را افشا نکند؛ اما حفصه آن را برای عایشه فاش کرد و عایشه نیز آن را برای پدرش ابوبکر بیان کرد؛ و ابوبکر بلافاصله بعد از آن پیش عمر آمد و گفت: عایشه از

قول حفصه چنین خبری به من داده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۲۴۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۸).
از اسباب نزول‌هایی که دکتر سها به آن تکیه داشته است و بر آن اساس، این شبهه را مطرح نموده، در اخبار دسته دوم جای دارد که حاوی دو نکته است: میل شهوانی شدید پیامبر، بی‌عدالتی در حق حفصه.

۱-۳ پاسخ به شبهه (نقد و بررسی)

چنانکه از آیات سوره تحریم مشخص است؛ این سوره و به‌ویژه آیات ابتدایی آن از ماجرای در خانه پیامبر(ص) سخن می‌گوید که یک‌سوی آن رازگویی پیامبر اکرم(ص) با یکی از همسران و سپس افشای آن راز از سوی آن زن و طرف دیگر آن، سوگند بر تحریم یک حلال بر خویشان از سوی پیامبر(ص) بوده است.

«وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» (تحریم/۳).

«(به خاطر بیاورید) هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود؛ هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» فرمود: خداوند عالم و آگاه مرا باخبر ساخت!»

همان‌طور که بیان گردید، منابع روایی و تفسیری فریقین درباره سبب نزول این سوره، اخبار پراکنده و متفاوتی را نقل کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۴۷۲؛ طوسی، بی‌تا ج ۱۰، ص ۴۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۸؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۱۶۷؛ مسلم، بی‌تا ج ۴، ص ۱۸۴). که به دلیل تعارض بیرونی و درونی آن‌ها، از پرچالش‌ترین روایات سبب نزول محسوب می‌شوند (فقهی زاده، ۱۳۹۶، ص ۹۰). ادعای مطرح‌شده توسط دکتر سها، در اخبار دسته دوم جای دارد که با بررسی تحلیلی آن، از زوایای مختلف به آن پاسخ داده می‌شود:

۱-۳-۱ وجوه و نظایر در معانی واژه‌ها

شناخت وجوه و نظایر الفاظ قرآن، یکی از ضرورت‌های اولیه برای مفسران قرآن کریم است. با توجه به گوناگونی موارد کاربرد واژه‌ها در زبان عربی، همواره با این مشکل روبه‌رو هستیم که واژه‌ای در جمله‌ای معنایی می‌دهد، اما همان واژه در جمله دیگر، معنایی متفاوت و حتی گاهی متضاد دارد و تنها با قرینه‌های مختلف می‌توان به مفهوم درست آن پی برد. وجوه و نظایر از دانش‌هایی است که پیش‌نیاز فهم و تفسیر قرآن کریم به شمار می‌رود که راه احتمال را در فهم معانی قرآن باز می‌کند و گاهی موجب اشتباه می‌شود و دستاویزی برای فتنه‌جویان به شمار می‌رود (رستمی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹).

با بررسی و امعان نظر در معانی واژه حرام و کاربردهای قرآنی آن، می‌توان به وجوه و نظایر در معانی آن پی برد؛ که در این جایگاه به معنای ممنوع کردن است، نه حرام کردن (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۷۰). «حَرَمَ» در آیات قرآن، هشتادوسه بار با صور گوناگون و اشاره به موضوعات و حوادث مختلفی به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۴ و ۱۵۵). ابن فارس در این باره می‌گوید: «حرام» در اصل به معنای منع و سخت گرفتن و نیز ضد حلال است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۴). جمع آن «حُرْمٌ» است. «حُرْمَةٌ» اسم مصدر از احترام به معنای چیزی است که بی‌احترامی به آن جایز نیست و جمع آن حرّمات است (فیومی، بی‌تا ج ۱۱، ص ۱۳۱). در مفردات، حرام به معنی ممنوع و ضد حلال است و چیزی که از آن منع شده باشد، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۵) و از ممنوع شدن یا به فرمان تکوینی الهی است: وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ... فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا (قصص/۱۳، ۱۲). یا حرام تکلیفی است: خداوند در توبیخ اهل جاهلیت که برخی از اشیا را حرام می‌دانستند، می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ أَللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» (یونس/۵۹). این آیه شریفه می‌تواند ناظر به تحریم‌هایی باشد که بخشی از آن‌ها را خداوند در آیه دیگر بیان فرموده است: وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ (انعام/۱۷۳). گاهی به طریق بازداشتن قهری و اجباری است: مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَرَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ (مائده/۷۲). قَالَ

فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً... (مائده/۲۶). یا به وسیله بشر، به معنای ممنوع کردن است: كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ (آل عمران/۹۳). واژه حرام در آیات سوره تحریم نیز به معنای اخیر است، نه حرام به صورت مطلق. در جمله لِمَ تَحَرَّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ... آنچه به نظر می‌رسد این است که این حرام کردن به معنای حرام شرعی نیست، بلکه به معنی ممنوع کردن خود است، برای ترضیه قلوب زن‌ها (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۷۰). این منع در اینجا یک قانون کلی نبوده که با آنچه خداوند اجازه داده مغایرت داشته باشد، بلکه برای ممنوع کردن است که سوگند بخورم که چیزی را که از خودش مجاز است، بگذرم (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ۴۲۶). بنابراین منظور از تحریم، چنین تحریمی است، نه اینکه حرمت آن عمل را برای شخص خودش تشریح کرده باشد.

۱-۳-۲ تعارض میان حلیت ذاتی و بی‌عدالتی

در آیه اول سوره تحریم، تعبیر احل الله، بیانگر چیزی است که حلیت ذاتی دارد، بنابراین حتی ظاهر آیه نیز مؤید دیدگاه نویسنده کتاب نقد قرآن نیست که معتقد است پیامبر (ص) در حق حفصه بی‌عدالتی نموده است؛ زیرا بی‌عدالتی میان همسران با توجه به آیات مربوط به چندهمسری حلیت ذاتی ندارد؛ و ظلم محسوب می‌شود که با ذات پاک نبوی سازگاری ندارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴، ص ۴۴).

توضیح اینکه: در سوره حدید، خداوند یکی از اهداف رسالت پیامبران را اقامه عدل و قسط می‌داند: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... (حدید/۲۵). بزرگ‌ترین افتخار پیامبران این بوده که بنده مطیع و فرمانبردار خداوند باشند. وقتی خداوند عدالت پیامبران خود را تأیید و از وظایف آن‌ها اجرای عدالت می‌شمارد، قطعاً در تمام امور جزئی و کلی عادل می‌باشند و خانواده نیز یکی از اجزاء زندگی انبیاء بوده است. نظام اسلامی مدینه که در رأس آن شخص پیامبر (ص) حضور داشتند، نه تنها رسالت سوق دادن اندیشه و عمل مردم را به سوی عدالت و قسط داشته و شالوده مناسبات حقوقی و اقتصادی و اجتماعی را قسط و عدل قرار داده است، بلکه می‌کوشید تا عدالت در رفتار و کردار مردم نهادینه شود؛ و در تمام این ابعاد خودش الگو

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت...؛ مروتی و رحیمی | ۴۱

و اسوه است. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/۲۱).

در سوره نساء که اشاره به جواز تعدد زوجات شده، این جواز را برای هر مردی بدون قید و شرط نگفته، بلکه داشتن تمکن مالی برای پرداخت نفقه و رعایت عدالت و مساوات میان زنان را شرط جواز قراردادده است: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء/۳).

اولین مخاطب این آیات پیامبر(ص) بود و مردم از او الگو گرفتند و توسط آن حضرت برای مردم بیان می‌شد. در کتب سیره و زندگانی پیامبر(ص) هست که آن حضرت بنا به اجازه باری تعالی برخلاف مسلمین می‌توانست بیش از چهار زن هم‌زمان داشته باشد، طوری که هنگام رحلت ۹ زن داشتند. ایشان در سفرها و جنگ‌ها رعایت تساوی را می‌نمود و یکی از زنان را همراه خود می‌برد. از دیگر مصادیق رعایت عدالت و مساوات در بین همسرانشان، مهریه یکسان آن‌ها بود که مهر هر یک از زنان را چهارصد درهم قرارداد و فرقی بین آن‌ها نگذاشت (ابن هشام، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۴۴). علاوه بر مهریه از نظر نفقه و هزینه زندگی، پیامبر(ص) رعایت برابری و تساوی را می‌کرد؛ مثلاً پس از فتح خیبر به هر کدام طبق قول (واقدی) صد وسق (هشتاد وسق خرما و بیست وسق جو) پرداخت کرد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۹۳). این همه اصرار بر تساوی و برابری بین همسران و حتی اجازه خواستن از آنان در برخی موارد، از کسی سر می‌زند که خداوند به او اجازه داده است بین زنانش با برابری و تساوی برخورد نکند و زنان او نیز با همین شرط نزد او مانده‌اند. حال با این همه مصادیق روشن در مورد رعایت عدالت پیامبر در بین همسرانش، در تمامی ابعاد چگونه می‌توان او را به بی‌عدالتی در حق یکی از آن‌ها (حفصه) متهم نمود؟!

تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ مَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقْرَأَ غَيْنَهُنَّ وَ لَا يَحْزَنَ وَ يَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (احزاب/۵۱).

«(موجد) هر یک از همسرانت را بخواهی می‌توانی به تأخیر اندازی و هر کدام را

بخواهی نزد خود جای دهی؛ و هرگاه بعضی از آنان را که برکنار ساخته‌ای بخواهی نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست؛ این حکم الهی برای روشنی چشم آنان و اینکه غمگین نباشند و به آنچه به آنان می‌دهی همگی راضی شوند نزدیک‌تر است؛ و خدا آنچه را در قلوب شماست می‌داند و خداوند دانا و بردبار است».

بر طبق این آیه، همان‌طور پیامبر(ص) در رعایت تعداد مستثنی شده‌اند، در رعایت تقدم و تأخر در نوبت نیز خداوند اجازه فرمودند. ولی با این‌همه پیامبر(ص) برای اینکه الگوی دیگران باشند، به‌طور کامل در تمام زمینه‌ها عدالت را رعایت می‌فرمودند.

۱-۳-۳ اهداف رسالت و تعدد زوجات

میل شدید شهوانی پیامبر(ص) به ازدواج و همسران فراوان از نکات مطرح شده در شبهه است؛ و این مسئله، یکی از موضوعاتی است که تعدادی از خاورشناسان به‌عمد و عده‌ای نیز به جهل، بدون در نظر گرفتن فرهنگ و زمان پیامبر(ص) و بدون ملاحظه حکمت این ازدواج‌ها، ایشان را متهم به هوسرانی کرده‌اند؛ و همچنین تعدد زوجات را از ابتکارات اسلام می‌دانند. درحالی‌که این سنت در میان انبیاء دیگر نیز یافت می‌شود. در کتب اناجیل نصی یافت نمی‌شود که تعدد زوجات را حرام بدانند، بلکه در بعضی رسائل از پولس نقل شده که مردان دین اسقف اگر نتوانند رهیانیت را حفظ کنند، باید به یک زن اکتفا کنند، اما غیر آن‌ها می‌توانند با هرچند زن که می‌خواهند، ازدواج نمایند (استانبولی، ۱۴۲۳، ص ۳۲۸).

با نگاهی جامع به آیات و روایات و منابع تاریخی و حدیثی و توجه به عنصر زمان، تعارض این ادعاها با ویژگی‌های شخصیتی پیامبر(ص) و واقعیت‌های تاریخی روشن می‌شود. به دلیل اینکه، تمام ازدواج‌های آن حضرت بعد از وفات حضرت خدیجه (س) دارای مصالح و حکمتی بوده است. به‌طوری‌که همگی آن‌ها جز ازدواج با خدیجه، پس از سن پنجاه‌سالگی و در فاصله مهر و موم‌های اول تا هفتم هجری، قبل از فتح مکه و در اوج جنگ‌های اسلام و کفر بوده است، درحالی‌که اقتضای امیال نفسانی و هوسرانی این است که ازدواج‌های متعدد یا در مهر و موم‌های جوانی و قبل از پنجاه‌سالگی باشند، یا هم‌زمان با

دستیابی به حکومت و تحکیم پایه‌های قدرت صورت گیرد (زمانی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۳). پیامبر بهترین دوران عمر و جوانی خود را تنها با یک همسر سپری کرد و تا ایشان زنده بود، زن دیگری اختیار نکرد، در صورتی که تعدد زوجات در جامعه آن روز عربستان کاملاً رواج داشت. ایشان بعد از وفات آن بانوی بزرگوار، به دلیل دستیابی به موقعیت‌های بهتر اجتماعی و سیاسی، تبلیغ دین خدا و استحکام آن، پیوند با قبایل بزرگ عرب و جلوگیری از کارشکنی‌های آنان، حفظ سیاست داخلی و ایجاد زمینه مساعد برای مسلمان شدن قبایل عرب، به برخی ازدواج‌ها روی آورد (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۸۰).

بر طبق آیاتی از قرآن، ایشان زنان خود را بین بهره‌وری و ادامه به زندگی با آن جناب و طلاق اختیار داد و در صورت ادامه زندگی با آن حضرت، آنان را بین زهد در دنیا و ترک خودآرایی و تجمل مخیر نمود. آیه زیر شاهد بر همین مطلب است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتَعِكْنَ وَ أُسْرُخِكْنَ سَرَّاحًا جَمِيلًا» وَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رِسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا: ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها سازم! و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است» (احزاب/۲۹-۲۸).

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: «افرادی که محبت مفرط به زن و شهوت و عشق دارند، فریفته آرایش و زینت و عاشق جمال و دلربایی‌ها و طراوت سن جوانی می‌گردند، درحالی که این خصوصیات با زندگی و روش آن حضرت منطبق نمی‌گردد. چون زنان خود را میان کام‌جویی دنیوی و گرفتن طلاق مخیر می‌سازد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۴۲۶). البته این آزادی در ازدواج هم بیش از ده سال دوام نداشت و پس از آن، ازدواج مجدد بر آن حضرت حرام شد: «لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَ لَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَ لَوْ أَحْبَبْتَ حُسْنَهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا: بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست و نمی‌توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدل کنی،

هرچند جمال آن‌ها مورد توجه تو واقع شود، مگر آنچه که به صورت کنیز در ملک تو درآید! و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است و با این حکم فشار قبایل عرب را در اختیار همسر از آنان، از تو برداشتیم» (احزاب/۵۲).

ظاهر تعبیر «مِنْ بَعْدُ» در آیه شریفه این است که بعد از این، ازدواج مجدد برای تو حرام است. بنابراین «بعد یا به معنی» بعد زمانی است، یعنی بعد از این زمان دیگر همسری انتخاب مکن، یا بعد از آنکه همسرانت را طبق فرمان الهی در آیات گذشته معیر در میان زندگی ساده در خانه تو و یا جدا شدن کردی و آن‌ها با میل و رغبت ترجیح دادند که به همسری با تو ادامه دهند، دیگر بعد از آن‌ها نباید با زن دیگری ازدواج کنی؛ و نیز نمی‌توانی بعضی از آن‌ها را طلاق داده و همسر دیگری بجای او برگزینی، به تعبیر دیگر نه بر تعداد آن‌ها بی‌افزایی و نه افراد موجود را عوض کن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۹۱). بنابراین تشکیل خانواده و ازدواج‌های پیامبر(ص) همه در راستای اهداف رسالت ایشان است که آن ایجاد امت الهی است.

۱-۳-۴ تعارض سیاق آیات با شبهه وارده

مخالفت سیاق و ظواهر آیات سوره با سبب نزول مطرح در این شبهه، یکی از مهم‌ترین اشکالاتی است که می‌توان بر آن وارد نمود. به این معنا که فضایی که این خبر ترسیم می‌کند، حکایت از حسادت زنانه برخی از همسران پیامبر اکرم(ص) بر یکدیگر می‌کند که باعث ناراحتی آن جناب شده است؛ اما آنچه از آیات سوره به دست می‌آید، نشان از توطئه‌ای خطرناک دارد. به دلیل اینکه در آیه چهارم، به آن دو زن حتی در صورت توبه نیز وعده بخشایش را نمی‌دهد؛ بلکه توبه را وظیفه ایشان به خاطر انحراف قلوبشان می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۳۳۱). «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» (تحریم/۴) و این برخلاف دأب قرآن کریم است که هر جا بحث توبه را مطرح می‌کند، نوید بخشش خدا را نیز می‌دهد؛ مانند آیه هشتم همین سوره؛ و این خود نشان از گناهی بس بزرگ توسط آن دو زن می‌دهد، نه فقط یک حسادت زنانه! حتی بنا به نظر برخی، عبارت «فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» که در جایگاه جواب شرط است، نشان از عدم توبه کردن آن دو زن و

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت ...؛ مروتی و رحیمی | ۴۵

دست برداشتن آن‌ها از توطئه می‌دهد (طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۳، ص ۸۷؛ میرباقری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶).

از طرف دیگر خداوند در طرف مقابل توبه، تبانی و تظاهر علیه پیامبر اکرم (ص) را مطرح می‌کند؛ و این یعنی کاری که ایشان باید از آن توبه کنند؛ تبانی و توطئه علیه پیامبر اکرم (ص) است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷۴، ص ۱۱۷). خداوند در پاسخ به توطئه و تبانی آن دو زن علیه پیامبر اکرم و در تائید و پشتیبانی ایشان، چنان با لشکریان خود وارد صحنه می‌شود که در هیچ جای قرآن چنین پشتیبانی سابقه ندارد. «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (تحریم/۴) و این خود، بهترین نشان بر این است که ماجرای این سوره یک امر ساده و یک خبط زنان نبوده، بلکه توطئه‌ای خطرناک علیه پیامبر اکرم (ص) بوده است (عسکری، ۱۳۹۰، ص ۲۶). در آیهٔ دهم، در بیان تمثیل دو همسر خیانت‌کار پیامبر اکرم مثال دو زن خائن و کافر دو پیامبر الهی، نوح و لوط (ع) را می‌زند که خدا به ایشان فرمان دخول در آتش را داده است (میرباقری، ۱۳۹۰ ص ۹۲). قطعاً مقایسهٔ آن دو زن پیامبر اکرم، به صرف یک حسادت زنانه، با دو زن کافر و خائن و جهنمی دو نبی الهی، نمی‌تواند امری عقلایی باشد! لازم به ذکر است که این اخبار ماجرای تحریم را قبل از افشای سر می‌دانند، درحالی که از ظواهر سوره به دست می‌آید که ابتدا، ماجرای افشای سر رخ داده و آنگاه ماجرای تحریم صورت گرفت است. مستند این مطلب، آن است که آنچه در حال نزول سوره رخ داده، ماجرای تحریم است؛ از این رو، سوره با آن آغاز و با فعل مضارع «تُحْرِمُ» از آن یاد می‌کند. درحالی که ماجرای افشای سر را برای بیان ریشهٔ داستان تحریم و با ظرف زمان گذشته «إِذْ» و فعل ماضی مطرح می‌کند. «وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ» (فقهی زاده، ۱۳۹۶، ص ۸۹).

۱-۳-۵ اضطراب متن، تعارضات درونی

با بررسی و امعان نظر در شبهه مطرح شده در کتاب نقد قرآن برای سوره تحریم و همچنین اسباب نزول‌های متفاوتی که در تفاسیر دیگر، برای این آیات بیان گردیده است. می‌توان به اضطراب متن آن‌ها در ابعاد مختلف و تعارضات فراوان آن‌ها در موضوعات گوناگون پی

برد؛ که این خود سبب بی‌اعتمادی به همه آن‌ها می‌شود؛ و نمی‌توان سبب نزول دقیقی برای آن انتخاب نمود.

برخی از این روایات در اینکه آیا آن حلالی که پیامبر(ص) بر خود ممنوع نمود، هم‌بستر شدن با ماریه بود یا خوردن از شربت عسل، اختلاف نظر دارند (همان منبع، ۱۳۹۶، ص ۸۸).

در اینکه سر فاش شده چه بوده است، باز در بین این اخبار اختلاف وجود دارد. برخی آن را خلافت ابوبکر و عمر می‌دانند. برخی آن را تحریم ماریه و بعضی هر دو (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۷۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۱).

در بعضی از این اخبار افشا کننده سر را عایشه می‌دانند و برخی عایشه (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۱).

برخی در اینکه پیامبر(ص) شربت عسل را در منزل کدام‌یک از همسرانش نوشیده است، اتفاق نظر ندارند. زینب بنت جحش، سوده، ام سلمه، حفصه در این روایات نام‌برده شده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۳۹).

در اخباری که سر فاش شده را مسئله خلافت می‌دانند، بعضی ابوبکر و عمر را شایسته خلافت، (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۸). گاهی این دو را غاصبان خلافت (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۲۴۶) و در بعضی دیگر از این اخبار، امام علی(ع) را لایق بر حق خلافت می‌دانند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۷).

علامه طباطبایی نیز باعرضه اسباب نزول‌های مطرح شده بر ظواهر آیات سوره، اشکالات هر کدام را مطرح و هیچ‌کدام را قابل اعتماد نمی‌داند و در نهایت می‌فرماید: «روایات در این باب بسیار زیاد و مختلف است و در بیشتر آن‌ها آمده که ماریه را به خاطر کلام حفصه بر خود حرام کرد، نه به خاطر کلام عایشه و گوینده «مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا - چه کسی این را به تو خبر داد» حفصه بود، نه عایشه و منظور حفصه از این سؤال این بود که چه کسی به تو خبر داد که من جریان ماریه را به عایشه رساندم. این روایات با همه کثرتش درعین حال، ابهامی را که در جمله «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ» هست، برطرف نکرده

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت...؛ مروتی و رحیمی | ۴۷

و روشن نکرده که رسول خدا(ص) برای چه کسی بعضی از داستان را تعریف کرد و از بعضی دیگرش صرف‌نظر نمود.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۵۶۸).

برخی محققان نیز با تحقیق جامع درباره همه اخبار سبب نزول سوره، محتوای این اخبار را دارای تعارضاتی با آیات سوره و مخالف عقل سلیم دانسته‌اند و در مجموع هیچ کدام از این اخبار پراکنده را شایسته سبب نزول بودن برای سوره ندانسته و صرفاً دلالت کلی این اخبار را مبنی بر وجود توطئه‌ای اجتماعی علیه پیامبر اکرم(ص) را که در خانه ایشان نیز نفوذ کرده، پذیرفته‌اند (خامه گر، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹).

۱-۳-۶ مبنا و منابع ناقص و غیر معتبر

یکی از مسائلی که در شبهه مورد نظر جای تأمل و بررسی دقیق دارد، مبنا و منابع مورد استفاده است که نویسنده کتاب نقد قران، منابع خود را در مقدمه کتاب این گونه می‌نویسد: «منابع اسلام دو چیز بیشتر نیست، یکی قران و دیگری سنت محمد. این کتاب چون در پی بررسی قران است، منبع اولش صرفاً قران است و اگر آیه‌ای وضوح کافی نداشت، برای فهم معنی آن به سنت مراجعه می‌شود. سنت هم سنت معتبر، شامل کتب معتبر احادیث نبی، مخصوصاً صحیح بخاری و مسلم» (نقد قران، ص ۲۹).

در پاسخ باید گفت: مشهور فقهای امامیه ادله استنباط احکام شرعی را چهار دلیل کتاب، سنت، اجماع و عقل می‌دانند؛ که بیشتر علمای اهل سنت و شیعه آن را به‌عنوان منابع فقه و مصادر تشریح پذیرفته‌اند و هر یک از آن‌ها به‌عنوان دلیلی معتبر برای استنباط احکام شرعی محسوب می‌گردند (مظفر، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱؛ نائینی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۲۱). این چهار منبع در اصطلاح فقها و اصولیون «ادله اربعه» نامیده می‌شوند. حجیت عقل از نظر شیعه به این معناست که اگر در موردی عقل یک حکم قطعی داشت، آن حکم به دلیل این که قطعی و یقینی است، حجت است. به حکم روایات معصومان، عقل، پیامبر باطنی و درونی است؛ همچنان که پیامبر، عقل ظاهری و بیرونی است (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۵۱؛ مظفر، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳). اصولاً عقل معیار سنجش احادیث و تفاسیر نیز هست؛ یعنی هرگاه که محتوای حدیثی با عقل معارض باشد، آن حدیث تأویل می‌شود، یا کنار گذاشته می‌شود و

نیز اگر تفسیر مفسری یا ظاهر آیه‌ای با عقل معارض باشد، آیه تأویل می‌شود و تفسیر آن مفسر قبول نمی‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴، ص ۳۰). این مطلبی است که قران پژوهان در موارد متعددی به بدان تصریح کرده‌اند و در بسیاری موارد بدان عمل کرده‌اند (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۳۲۱). غفلت از این اصل و منع مهم اسلام، یعنی عقل، باعث می‌شود که در بسیاری از موارد، انسان در فهم و تفسیر آیات و احادیث خطا کند؛ و اصولاً اسلام منهای عقل، اسلام کامل نیست. غفلت از این مطلب توسط دکتر سها موجب شده که تصویر ناقصی از قران به دست آورد و در و موارد متعدد به آن اشکال کند.

از طرف دیگر یکی از منابعی که برای طرح این شبهه به آن استناد جسته است، تفسیر طبری است که از طرف محققان شیعه و اهل سنت به صورت مکرر مورد نقد و اشکال قرار گرفته است. به طور طبیعی می‌توان گفت وقتی منبع نامعتبر باشد، نمی‌تواند نتایج صحیحی به بار آورد. از مهم‌ترین اشکالات این تفسیر می‌توان به نقل از افراد ضعیف، مجهول‌الحال یا معروف به جعل، اشاره کرد که عمده ضعف وی در همین مورد است. به ویژه در نقل اسرائیلیات که راه افراط رفته و به تفسیر خود لطمه اساسی وارد ساخته است. به همین دلیل بر وی خرده گرفته‌اند که بدون توجه به صحت و سقم روایات و بدون ذکر درجه ضعف یا قوت اسناد، آن‌ها را نقل می‌کند؛ و این همه روایات سست و ناشناخته؛ به ویژه اسرائیلیات خرافی و دروغین که تفسیر خود را به آن انباشته است، مسئولیت او را هر چه سنگین‌تر ساخته و او را چون «حشویه» بی‌محبا به انباشتن روایات سره و ناسره نشان داده است؛ تا آنجا که نقادان به نکوهش او پرداخته‌اند (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶۲).

از جمله شیخ محمد عبده، او را به جنون جمع‌آوری حدیث توصیف کرده است؛ و درباره او این گونه می‌گوید: «اگر افراط جنون‌آمیز او در نقل روایات نبود، این گونه روایات سست و ناروا را که موجب بدبینی و تمسخر دیگران و نمایانگر بی‌مایگی است و خرد هرگز به پذیرش آن تن نمی‌دهد و از باور داشتن آن ابا دارد، نمی‌نوشت. خداوند از این جریر درگذرد که چنین روایاتی بر دست ایشان انتشار یافت» (عبده، بی تا ج ۳، ص ۲۹۸).

علامه عسکری درباره نقش مخرب و ویرانگر تاریخ طبری می‌نویسد:

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت...؛ مروّتی و رحیمی | ۴۹

«اینان مستشرقین به‌طور معمول در جستجوی نقاط ضعف در اسلام، پیامبر(ص) و سایر مقدسات هستند و متأسفانه آرزوی خویش را در پاره‌ای از روایات مکتب خلفا یافته و البته بدون هیچ تردیدی به این‌گونه کتب که در رأس آن‌ها تاریخ طبری است.» (عسکری، ۱۳۶۱، ص ۳۴۸).

لازم به ذکر است که صحیح بخاری و مسلم به‌عنوان منابع این کتاب معرفی شده‌اند که در میان اهل سنت بالاترین درجه اعتبار را دارند. ولی عجیب این است که در اینجا داستان نزول آیه را از آن‌ها نقل نمی‌کند، چرا که موافق طبری نبوده‌اند؛ و هیچ‌کدام این سبب نزول را ذکر نکرده‌اند.

۱-۴ جلوه‌های هدایت‌گری آیات

حال پس از نقد و بررسی شبهه وارده، این سؤال مطرح می‌شود که خوانش و اندیشه در آیات مشتمل بر مسائل خصوصی زندگی پیامبر(ص) در قرآن کریم، چه سودی برای دیگران دارد که در آیاتی به آن پرداخته شده است؟ تا جایی که سها در بخشی از این شبهه آن را دستاویزی برای اتهام بر علیه پیامبر(ص) قرار داده است! در پاسخ به این سؤال باید گفت: پیام‌های اخلاقی و رفتاری انسان‌ساز و تعالی‌بخش نهفته در آیات این سوره که به‌صورت یک جریان تاریخی بیان گردیده، افزون بر جذاب کردن ارائه مطالب برای مخاطب، تأثیری به‌مراتب ژرف‌تر از «القای مستقیم» پیام بر جای می‌نهد. تبیین مسائل چالشی مرتبط با زندگی پیامبر(ص) و همسران حضرت، صرف یک گزارشگری تاریخی نیست. بلکه اثرگذار در عمق و عقاید و باورهای جامعه دینی است، به‌گونه‌ای که اگر در کتاب آسمانی نیامده بود، به سبب انگیزه‌های اعتقادی و سیاسی قدرتمند در این عرصه، دستخوش تحریف‌ها و دسیسه‌های فراوانی می‌گشت و با در نقاب کردن چهره حقیقت، انبوهی از شبهات اعتقادی و باورهای غلط را روانه جامعه اسلامی می‌نمود. از طرف دیگر این مسائل شخصی رهبران جامعه، بازتاب بیرونی خواهد داشت و به رفتار شخصی تلقی نمی‌شود و حتی گاهی مخالفان از آن‌ها در تبلیغات خود سوءاستفاده می‌کنند (ایروانی، ۱۳۹۸، ص ۲۹). ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که پیامبر اسلام(ص) یک رهبر جهانی

بود، توطئه در خانه او خطرناک بود؛ از این رو خدای متعال با مطرح کردن آن در قران، با کوچک‌ترین شکل توطئه به شدت برخورد می‌کند تا ریشه این گونه کارها را در خانه پیامبر(ص) بخشکاند. از مهم‌ترین معارفی که در پرتو این آیات می‌توان به آن دست یافت، به چند مورد اشاره می‌گردد:

۱-۴-۱- صیانت از مرزهای درون خانواده

گرچه حفظ کیان خانواده و صیانت از شخصیت اجتماعی و حیثیت این نهاد مقدس بر عهده هر یک از اعضای خانه است؛ اما زن به‌عنوان ناموس مرد و نماینده او در منزل، در حفظ حریم و ارزش‌های خانواده مسئولیت بیشتری دارد (گنجور، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲). یکی از این مسئولیت‌های خطیر که از مهم‌ترین شروط وفاداری همسر نیز هست، رازداری است؛ که در آیه ۳ به آن اشاره شده: «وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ... هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود...»

کلمه «سر» به معنای مطلبی است که در دل خود پنهان کرده باشی و نخواهی دیگران از آن خبردار شوند. زمانی که رسول خدا(ص) سری از اسرار خود را نزد بعضی از همسرانش - یعنی حفصه - افشا کرد و به وی سفارش فرمود که این مطلب را به کسی نگوید، همین که حفصه آن سر را برخلاف دستور آن جناب به دیگری گفت و قسمتی از سر آن جناب را فاش نموده، از فاش کردن بقیه آن سر خودداری نمود، رسول خدا(ص) جریان را به‌عنوان اعتراض به خود او خبر داد، یعنی خبر داد که تو سر مرا فاش کردی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۵۵۵). رازداری نه تنها از صفات مؤمنان حقیقی است که هر انسان با شخصیتی باید رازدار باشد، این معنی در مورد دوستان نزدیک و همسر اهمیت بیشتری دارد، در آیات فوق خداوند بعضی از همسران پیامبر(ص) را به خاطر ترک رازداری شدیداً ملامت و سرزنش می‌کند. از مجموع این آیات برمی‌آید که بعضی از همسران پیامبر(ص) نه تنها او را با سخنان خود ناراحت می‌کردند، بلکه مسئله رازداری که

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت...؛ مروتی و رحیمی | ۵۱

از مهمترین شرایط یک همسر باوفا است، نیز در آن‌ها نبود (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۷۶-۲۸۳). حفظ اسرار شوهر در خانواده، در حفظ سلامت و تعادل خانواده چنان حیاتی است که قرآن کریم در آیاتی، زنانی را که اسرار شوهر خود را حفظ می‌کنند، ستوده و می‌فرماید: «...فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ... زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند...» (نساء/۳۴) بنابراین یکی از آموزه‌های مهمی که از رهگذر داستان این آیات می‌توان برداشت نمود، رازداری است که جایگاه مهمی در حفظ تحکیم بنیان خانواده دارد.

۱-۴-۲ تغافل و اغماض

با توجه به نگاه مقدس اسلام به کانون خانواده و جایگاه والای خانواده در رشد و پرورش فرد و به تبع آن جامعه، ایدئولوژی اسلامی اهمیت فراوانی به تحکیم بنیان خانواده داده است، زیرا تحکیم این نهاد از دیدگاه اسلامی موجب تعالی فرد و جامعه می‌شود که می‌تواند انسان‌ها را به کمال و تعالی برساند. یکی از صفاتی که از رهگذر این آیات می‌توان به آن دست یافت، اغماض زن و شوهر از لغزش‌ها و کارهای ناپسند دیگری در محیط خانواده است؛ که سیره پیامبر(ص) در این زمینه می‌تواند بهترین الگو باشد.

در زندگی مشترک اثر خطاها و اشتباهات همسران متوجه یکدیگر می‌شود و گاه خطایی باعث می‌شود حتی از دیگری پامال گردد. در چنین مواقعی نوع برخورد همسر بسیار مهم است، هرچند این خطا نابخشودنی باشد. نمونه برخورد در این آیه شریفه مشاهده می‌شود: «وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُمْ وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ... پیامبر(ص) با در میان گذاشتن راز خود با همسرشان خواستار این بوده که زندگی خانوادگی‌اش تجسم عینی «...هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ...» (بقره/۱۸۷) باشد و راز مهمی را با او در میان می‌گذارد. هرچند که همسر پیامبر از عهده این راز بر نیامد (آل رسول، ۱۳۹۱، ص ۲۶) و این خطای افشای راز خود نوعی خیانت محسوب می‌شود، به‌خصوص در مورد کسی که شخصیت اجتماعی او متعلق به عالم بشریت و

جهانی است و چه بسا این خطا می‌توانسته دستاویزی برای دشمنانش باشد؛ اما زمانی که پیامبر از این خطا مطلع می‌شود، چنان بزرگووارانه با او رفتار می‌کنند که حتی حاضر نشدند تمام رازی که همسرشان افشا کرده را به رخ او بکشند و به قسمتی از آن اشاره می‌کنند تا او هم احساس شرمندگی کمتری کند و هم خود را به تغافل زنند و از خطایش درگذرند (گرجی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۵). این گذشت در حالی است که این ماجرا در قلب پاک پیامبر(ص) و روح عظیم او تأثیر منفی گذاشته تا آنجا که خداوند به دفاع از او پرداخته و با اینکه قدرت خویش از هر نظر کافی است، حمایت جبرئیل و صالح مؤمنان و ملائکه را هم اعلام می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۷۵).

لازمه فراهم‌سازی راه اوج و کمال برای خانواده، در قبال همسر و فرزند، مزین شدن مرد به صفت متعالی گذشت و ایثار است تا بتواند خانواده‌ای متعالی داشته باشد؛ زیرا «در اثر لجاجت‌ها، خودخواهی‌ها، نبودن روحیه گذشت و ایثار و همچنین نادیده گرفتن خطاهای کوچک و ضعف‌های ناچیز، مسائلی بروز می‌کند و رفته‌رفته بزرگ می‌شود و مشکلات، عرصه را بر زندگی تنگ می‌سازد» (ایزدی، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

از دیدگاه قرآن، گذشت، تجاهل و تغافل، ثمره کظم غیظ و دوری از خشم و غضب و عصبانیت است (آل عمران/ ۱۳۴) زیرا خشم و غضب و بگومگو کردن طولانی و بی‌جا، یک ویژگی غیرانسانی است که موجب از هم پاشیدن شیرازه زندگی، طلاق و جدائی و غرق شدن در منجلاب بسیاری از معاصی و گناهان است که قرآن کریم به شدت از آن نهی نموده و مؤمنان را فراخوانده تا خود و خانواده‌شان را از آن دورنگه دارند (تحریم/ ۶) بنابراین ارزش‌گذاری خانواده، بر پایه مودت و رحمت که از مصادیق بارز گذشت می‌باشند، از دیدگاه اسلامی علاوه بر تعالی خانواده، موجب تعالی خود شخص می‌شود؛ و مشمول عفو و گذشت الهی نیز قرار می‌گیرد: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ: آن‌ها باید عفو کنند و چشم‌پوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است!» (نور/ ۲۲)

۱-۴-۳ نفی وابستگی در رستگاری

در سیره هدایتی قران، تنها ملاک ارزش‌گذاری در پیشگاه خداوند، تقوا و دین‌داری است. نسب، شرافت خانوادگی، برتری‌های قومی و ملاک‌های دنیوی، هیچ‌کدام نمی‌توانند انسان را به کمال حقیقی برسانند. منسوب بودن به رسول خدا(ص)، یا همسر ایشان بودن، فضیلت و مصونیت خاصی برای افراد ایجاد نمی‌کنند. شاخص سنجش درستی و حقانیت هر شخص، مطابقت رفتار و عملکرد آنان، با احکام و اخلاق الهی است. بر این اساس، این آیات، بیانگر شخصیت و جایگاه عادی همسران پیامبر(ص) در زندگی و رسالت ایشان است؛ و هرگونه ادعا یا شبهه مرجعیت آنان، پس از رحلت رسول خدا مرتفع می‌گردد. این یکی از نکات مهمی است که در پرتو داستان آیات، به آن پرداخته شده است: «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ... امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد» (تحریم/۵) در این آیه بی‌نیازی خدا را خاطر نشان ساخته، می‌فرماید: هرچند شما به شرف زوجیت رسول خدا(ص) مشرف شده‌اید، لیکن کرامت نزد خدا به این حرف‌ها نیست، بلکه تنها به تقوی است و بس، هم چنان که در جای دیگر نیز فرموده: «...فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا: خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.» (احزاب/۲۹) یعنی خدای تعالی اگر برای شما زنان پیامبر(ص) اجر عظیم مهیا ساخته، برای این نیست که همسر او باشید، بلکه برای این است که نیکوکارید، پس هر یک از شما که نیکوکار نباشد، نزد خدا پاداشی ندارد. حرف «من» برای تبعیض است، یعنی اجر عظیم مخصوص بعضی از شما همسران رسول خدا(ص) است و آن بعض همان نیکوکاران است، بنابراین معلوم می‌شود همسران آن جناب همه نیکوکار نبوده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۵۵۹) و وابستگی باعث رستگاری نمی‌شود.

۱-۴-۴ دلجویی و شفقت

قران کریم در آیات زیادی و در موضوعات مختلفی پیامبر را مورد دلجویی و شفقت قرار داده است تا به خاطر دیگران خاطر خود را آزوده نکند. از جمله در آیه اول این سوره

می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَرْوَاجِكَ...» (تحریم/۱) «خطاب (لِمَ تُحَرِّمُ) برای بیرون کردن ناراحتی از قلب مبارک آن حضرت صادر شده است. وقتی که درباره خشنودی همسران خویش مبالغه فرموده و زحمت‌ها و خشونت‌ها و بدرفتاری‌های آنان را تحمل می‌فرمود» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۱۳۲). هرچند خطاب در آیه فوق بر پیامبر(ص) است؛ که برای جلب رضایت آن همسر مورد عتاب قرار گرفته است. به این که از اموری که پروردگار بر او حلال و جایز نموده، در اثر التزام و سوگند و به‌منظور کسب رضایت همسر، خود را محروم از آن نعمت و امر حلال نموده و بر خود سخت‌گیری نموده؛ اما در حقیقت اعتراض و عتاب متوجه به زوجه است که نباید در مقام ایراد بر رسول خدا(ص) برآید و اصرار نماید، به‌طوری که ایشان از نظر حسن خلق و حسن سلوک خود، برای ارضاء زوجه، اقدام به سوگند نماید (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۴۴۹). در آیات دیگر این مسئله به گونه‌ای دیگر مورد تأکید قرار گرفته و پیامبر(ص) را از اینکه رنج و سختی را بر خود متحمل کند بر حذر داشته است: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى: مَا قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی» (طه/۲) در آیه مورد بحث از باب تسلای پیامبر اسلام(ص) سخن می‌گوید که پس از رسالت و نزول قرآن خودش را بسیار به زحمت انداخته بود، از سویی همواره مشغول عبادت بود و راحتی را از خود سلب کرده بود و از سوی دیگر غصه آن مردم در دلش سنگینی می‌کرد که چرا ایمان نمی‌آورند و خود را در معرض عذاب الهی قرار می‌دهند (جعفری، بی تا ج ۶، ص ۵۵۵). همچنان که در آیه دیگری در این باره می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ: گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی به خاطر اینکه آن‌ها ایمان نمی‌آورند» (شعرا/۳) باخِع «از ماده بخع» (بر وزن بخش) به معنی هلاک کردن خویشتن، از شدت غم و اندوه است. این تعبیر نشان می‌دهد که تا چه اندازه پیامبر اسلام(ص) نسبت به مردم دلسوز و در انجام رسالت خویش اصرار و پافشاری داشت و از اینکه می‌دید تشنه‌کامانی در کنار چشمه آب زلال قرآن و اسلام نشسته‌اند و باز از تشنگی فریاد می‌کشند، ناراحت بود؛ که چرا انسان عاقل با داشتن این همه چراغ روشن باز از بیراهه

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت ...؛ مروتی و رحیمی | ۵۵

می‌رود؟ و در پرتگاه فرو می‌غلطد و نابود می‌شود؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۸۵).

۱-۴-۵ حل یمین

یکی از احکامی فقهی اسلام، کفاره سوگند است که عبارت است از جزای مشخص شده برای شکستن مفاد سوگند؛ و در صورتی است که فرد با شرایط خاصی قسم بخورد و سپس به آن عمل نکند، باید یکی از کارهای آزاد کردن یک برده، اطعام دادن به ده فقیر و یا پوشاندن ده مسکین را انجام دهد. اگر انسان نتواند هیچ کدام از این سه عمل را انجام دهد، باید سه روز پی‌درپی روزه بگیرد (محمدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۸۱). قران کریم در این باره می‌فرماید:

«وَلَا كُنْ يَؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّرتَهُ إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كَسْوَتِهِمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ: خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی‌کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده‌اید، مؤاخذه می‌نماید. کفاره این گونه قسم‌ها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می‌دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر؛ و یا آزاد کردن یک برده؛ و کسی که هیچ کدام از این‌ها را نیابد، سه روز روزه می‌گیرد؛ این، کفاره سوگندهای شماست به هنگامی که سوگند یاد می‌کنید...» (مائده/۸۹).

راغب در مفردات می‌گوید: در این آیات راه گشودن سوگند در موارد جایز بیان شده است؛ یعنی اگر شخصی بر ترک کار بدی سوگند یاد کند، حرام است که سوگند خود را بشکند، ولی اگر برای ترک کار خوبی سوگند یاد کند، شکستن آن با کفاره جایز است. هر جا کلمه «فرض» در مورد رسول خدا(ص) در قرآن آمده و با حرف «علی» متعدی شده، دلالت دارد بر وجوب آن عمل بر همه امت که رسول خدا(ص) هم داخل آنان است و هر جا این کلمه در مورد آن جناب به وسیله حرف «لام» آمده، دلالت دارد بر اینکه آن عمل برای آن جناب ممنوع و حرام نیست؛ بنابراین آیه دلالت دارد بر اینکه رسول

خدا(ص) به ترک عملی سوگند خورده بوده و به وی دستور می‌دهد سوگند خود را بشکند، چون فرموده: «فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلَةَ أَيْمَانِكُمْ» و نفرمود «فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ حَنْثَ أَيْمَانِكُمْ» و «تحله» از حل به معنای گشودن است، معلوم می‌شود سوگندی که آن جناب خورده بود آزادیش را سلب کرده بوده و این با سوگند بر ترک عملی مناسب است، نه سوگند بر انجام فعلی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۵۵۴). «فرض» به معنی تشریح و تعیین است؛ یعنی: خداوند با تشریح کفاره حل و شکستن سوگندهای شما را چاره کرده است، چون خدا سرپرست شماست، به وضع شما داناست و از روی حکمت و صلاح است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۲۳۱). البته اگر سوگند در موردی باشد که ترک کاری رجحان دارد، باید به سوگند عمل کرد و شکستن آن گناه است و کفاره دارد؛ اما اگر در مواردی باشد که ترک آن عمل مرجوح باشد، (مانند آیه مورد بحث) در این صورت شکستن آن جایز است، اما برای حفظ احترام قسم بهتر است کفاره نیز داده شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۷۴). از احادیث استفاده می‌شود که پیامبر(ص) بعد از نزول این آیه و راهنمایی خدا، برده‌ای را آزاد کرد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۲۳۱) و یا به ده فقیر غذا داد و آنچه را که بر خود ممنوع کرده بود، حلال و جایز کرد (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۲، ص ۴۰).

۱-۶-۱ واقع‌بینی در انتظارات

هرچند محوریت این آیات خانواده پیامبر(ص) است، ولی محور اصلی آن، تأکید بر رعایت حق همسر و مساعدت او در انجام وظایف دینی و رسیدن به سعادت و جلب رضایت الهی است. زنان باید انتظارات مشروع خود را نسبت به توانایی‌های همسر تنظیم کنند و نباید برای کسب زمینه‌های دنیوی، همسر خود را وادار به گناه، یا ترک رضایت الهی کنند. این پیام دستوری همگانی است؛ و اختصاص به پیامبر اکرم(ص) و همسران ایشان نداشته و نمی‌توان آن را شخصی دانست (جعفری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶). نظیر این آیات را می‌توان در آیات دیگری مشاهده نمود:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَ

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت...؛ مروتی و رحیمی | ۵۷

أَسْرَحْنَ سَرَاحًا جَمِيلًا* وَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَ رِسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنِينَ مِنَ الْجَزَاءِ عَظِيمًا: ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را به طرز نیکویی رهاسازم! و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.» (احزاب/۲۸، ۲۹). این آیات نیز به پیامبر دستور داده تا به همسران خویش گوشزد کند که در زندگی مشترک با ایشان، به دنبال زینت‌های دنیوی نباشند و توقع مالی بی‌جا نداشته باشند، بلکه رضایت الهی، افتخار همسری پیامبر و کمک به او در انجام رسالت و دستیابی به ثواب اخروی را مدنظر داشته باشند. در این آیات توصیه شده است به جای امکانات دنیوی بیشتر، بر سختی‌ها و کمبودهای زندگی با پیامبر صبر کنند و به دنبال رضایت الهی و سعادت اخروی باشند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۵۵۵). بنابراین می‌توان گفت متعادل ساختن توقعات همسران از یکدیگر، نقش مؤثری در جهت آرامش و تعالی معنوی آنان دارد. در آموزه‌های دینی تأکید بر این است که همسران زندگی را بر تعادل و میانه‌روی استوار سازند و خوی تعادل خواهی را در خود پرورش دهند. همچنین توصیه شده است، زوجین تمایلات و هواهای خود را کنترل کنند تا به بینش‌های واقع‌بینانه در زندگی برسند (فقیهی، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

نتیجه‌گیری

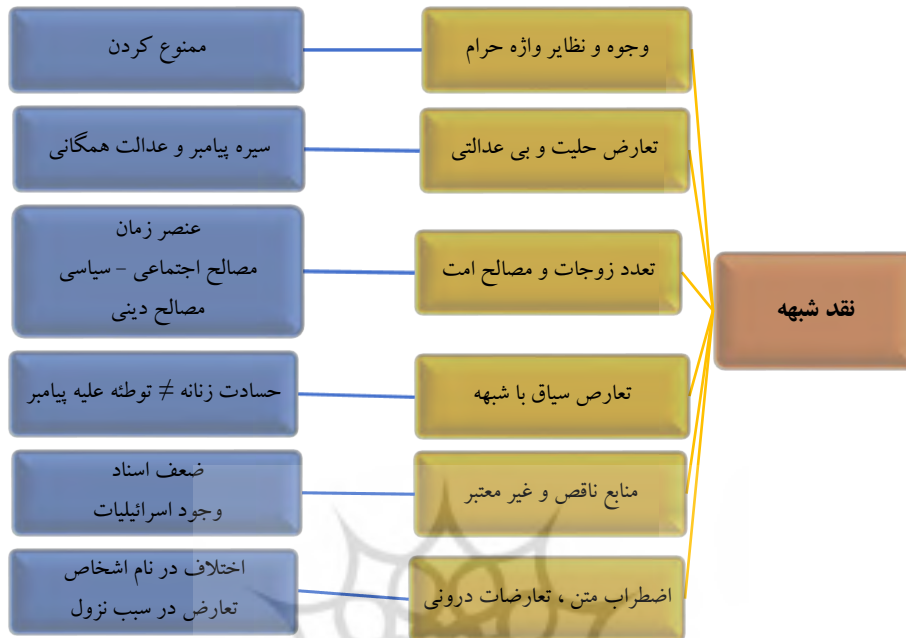
در روند این پژوهش روشن گردید که طرح مسائل خصوصی زندگی پیامبر(ص) در قران، در عین اینکه بیانگر چالش‌ها و مشکلاتی است که پیامبر با آن‌ها روبرو بوده است، برای بهره‌گیری مسلمانان از جنبه‌های هدایتگری آیات است. قران کریم با ذکر این مسائل در قالب داستان‌هایی خانوادگی و با استفاده از شیوه‌های جذاب، مفاهیم را به مخاطب القا نموده است. از طرف دیگر با ابهام‌زدایی از اسباب نزول صحیح این آیات، سیره پیامبر را در مواجهه با اشتباهات همسرانشان، به‌عنوان بهترین الگو به مسلمانان معرفی نموده است. لازم به ذکر است که ذکر این آیات و بیان مسائل چالشی مربوط به زندگی پیامبر(ص)، بیانگر این نکته است که تحریفی در آیات اتفاق نیفتاده است و همان‌گونه که نازل

گردیده‌اند، به نسل‌های بعد منتقل شده‌اند.

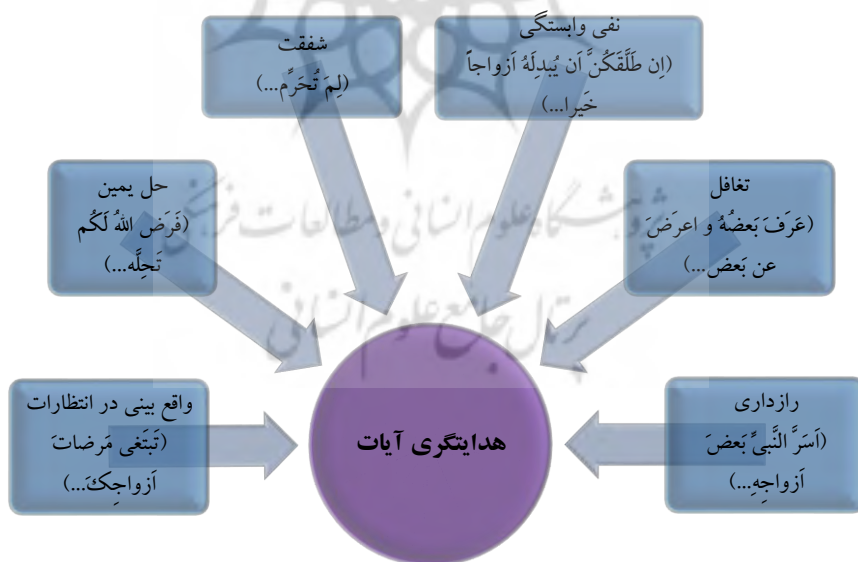
با بررسی اسباب نزول صحیح سوره تحریم و تفاسیر مطرح‌شده در این زمینه، می‌توان در کنار جریان نفاق، به جریان دیگری که در میان مسلمانان برای تضعیف جایگاه اجتماعی پیامبر تلاش می‌کرد، پی برد، به گونه‌ای که این جریان به درون خانه ایشان، نیز نفوذ کرده بود و برخی از همسران پیامبر با آن همدست شده بودند.

نکته دیگری که از ذکر این آیات می‌توان دریافت این است که ذکر این مسائل در قران باعث جلوگیری از به وجود آمدن شبهات اعتقادی و سیاسی فراوانی در زمینه مسائل مربوط به همسران پیامبر می‌شود و جلوی بسیاری از باورهای غلط را در جامعه می‌گیرد. از طرف دیگر با رفع ابهام از تفاسیر این آیات، شبهه مرجعیت همسران پیامبر در قران، منتفی می‌گردد.





نمودار ۱. نقض شبهه



نمودار ۲. هدایتگری آیات

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Sohrab Morovati



<https://orcid.org/0000-0002-1428-2630>

Masoumeh Rahimi



<https://orcid.org/0000-0002-8359-9623>



منابع

قران کریم

آل رسول، سوسن. (۱۳۹۱). اخلاق و فاداری همسران و شاخصه‌های ارزشی آن در اسلام، سال چهارم، زن و مطالعات خانواده.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن هشام، عبدالملک بن هشام. (۱۴۰۴). السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.

استانبولی، محمود مهدی. (۱۴۲۳). أبونصر السبی مصطفی نساء حول الرسول، بی‌چا.

ایروانی، جواد. (۱۳۹۸). چرایی ذکر مطالب مربوط به همسران پیامبر(ص) در قران، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱). الجامع صحیح، بیروت: دارالقلم.

جعفری، ابوذر. (۱۳۹۸). چرایی مطالب مربوط به همسران پیامبر با تأکید بر شبهات نوپدید، مطالعات تفسیری، سال دهم، شماره ۳۸.

جعفری، یعقوب. (بی‌تا) تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت، چاپ اول.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: موسسه آل البیت.

حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴). انوار درخشان، تهران: کتاب‌فروشی لطفی.

خامه‌گر، محمد. (۱۳۹۲). نقد و ارزیابی روایاتشان نزول سوره تحریم، پژوهش‌های قرانی.

دشتی، علی. بی‌تا بیست‌وسه سال، بیروت: بی‌چا.

رازی ابوالفتوح. (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد

سید کیلانی، بیروت: دارالمعرفه، بی‌چا

رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۴). بررسی مبانی نقد قران دکتر سها، قم: انتشارات پژوهش‌های

تفسیر و علوم قران، بی‌چا.

رستمی، محمد حسن. (۱۳۸۹). تأثیر وجوه و نظایر در ترجمه‌های فارسی، تحقیقات علوم قران و

حدیث، دوره هفتم، شماره یک.

۶۲ | دو فصلنامه علمی سراج مُنیر | سال دوازدهم | شماره ۴۳ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰

- زمانی، محمدحسن. (۱۳۸۵). *مستشرقان و قرآن*، قم: بوستان کتاب، بی‌چا.
- سها. (۱۳۹۳). *نقد قرآن*، منتشر شده در سایت‌های اینترنتی، بی‌چا.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر الماثور*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شفا، شجاع‌الدین. (۱۳۷۸). *تولد دیگرایران کهن در هزاره نو*، تهران: انتشارات فرزاد، بی‌چا.
- صادقی‌تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق، محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). *جامع‌البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
- عابدینی، احمد. (۱۳۸۱). *شیوه همسررداری پیامبر به گزارش قرآن و حدیث*، تهران: نشر هستی نما، بی‌چا.
- عبده، شیخ محمد. (بی‌تا). *تفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفه، بی‌چا.
- عسکری، مرتضی. (۱۳۹۰). *سقیفه*، تهران: انتشارات علامه عسکری.
- عسکری، مرتضی. (۱۳۶۱). *نقش ائمه در احیاء دین*، تهران: مؤسسه اهل‌البیت.
- فخر رازی، ابو عبدالله. محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتیح‌الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌چا.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی. (۱۳۶۱). *جعل و تحریف در اخبار اسباب نزول سوره تحریم*، فصلنامه حدیث پژوهی، سال نهم، شماره هفدهم.
- فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۹۰). *بررسی آموزه‌های دینی مؤثر در سلامت دینی همسران*، فصلنامه معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۳.
- فیض‌کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵). *الصابغی*، تهران: چاپ خانه صدر.
- فیومی، احمد بن محمد. *بی‌تا مصباح‌المنیر*، قم: انتشارات دار الرضی. بی‌چا.
- قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت ...؛ مروتی و رحیمی | ۶۳

-، (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم*، قم: موسسه دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، شرح محمدباقر کمره‌ای.
- گرچی، منیر. (۱۳۶۷). *نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- گنجور، مهدی. (۱۳۹۰). *مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسر از دیدگاه اسلام*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال سیزدهم شماره ۵۲.
- گیلانی، عبدالرزاق بن محمد. (۱۳۸۷). *مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه*، انتشارات پیام حق، چاپ چهارم.
- محمدی، محمدحسین. (۱۳۹۵). *نقد دیدگاه مستشرقان درباره همسران پیامبر از دیدگاه قرآن*، فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، سال یازدهم، شماره ۲۱.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). *بحار الانوار الجامعه الدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)*. بیروت: موسسه الوفاء
- محمدی خراسانی، علی. (۱۳۷۶). *شرح تبصره المتعلمین*، قم، دارالفکر، چاپ دوم.
- مسلم بن حجاج. (بی تا). *الصحيح المسلم*، بیروت: دارالجيل و دار الافاق الجديده.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). *بیست گفتار*، قم: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی. (بی تا) *مجموعه آثار*، قم: انتشارات صدرا.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۶). *اصول الفقه*، نجف اشرف: دارالنعمان، چاپ دوم.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۹). *تفسیر و مفسران*، قم انتشارات تمهید چاپ پنجم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). *المسائل العکبریّه، تحقیق و تصحیح: کنگره شیخ مفید*، بی تا.
- مؤدب، سید رضا. (۱۳۹۰). *مبانی تفسیر قرآن*، چاپ دوم، دانشگاه قم.
- میرباقری، سید محسن. (۱۳۹۰). *ظاهر قرآن، باطن قرآن*، تهران: نشر محمد.
- نایینی، میرزا محمدحسین. (۱۴۱۹). *اجود التقریرات*، محقق: خویی، سید ابوالقاسم، کتاب‌فروشی مصطفوی، قم.

واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۱۹). *المغازی*، بیروت: موسسه الاعلمی الامطبوعات، چاپ سوم.

References

The Holy Quran

- Al-Rasoul, Susan., (2011). *The ethics of loyalty of spouses and its value indicators in Islam*, fourth year, women and family studies. [in Persian]
- Abedini, Ahmed., (2002). *Prophet's way of having a wife according to Quran and Hadith*, Tehran, Hasti Nama Publishing House. [in Persian]
- Abdeh, Sheikh Mohammad., (n.d.), *Tafsir al-Manar*, Beirut: Dar al-Marafa. [in Arabic]
- Askari, Morteza., (2018). *Saqifa*, Tehran: Allameh Askari Publications. [in Persian]
- Askari, Morteza., (1982). *The role of imams in the revival of religion*, Tehran, Ahl al-Bayt Institute. [in Arabic]
- Bukhari, Muhammad bin Ismail., (1980). *Al-Jame Sahih*, Beirut: Dar al-Qalam. [in Arabic]
- Dashti, Ali., 23 years old, Beirut. [in Arabic]
- Fakhr Razi, Abu Abdullah, Muhammad bin Omar (1999). *Mofatih al-Ghaib*, Beirut: Dar Ahya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Faqhizadeh, Abdul Hadi., (1982). , *Forgery and distortion in the news about the reasons for the revelation of Surah Tahreem*, Hadith Research Quarterly, 9th year, 17th issue
- Faqihi, Alinaqi., (2010). *Examining the religious teachings effective in the religious health of spouses*, *Marafet Quarterly*, 20th year, number 163
- Feiz Kashani, Muhammad bin Shah Morteza, (1994). *Al-Safi*, Tehran, Sadr Printing House. [in Persian]
- Fayoumi, Ahmed bin Mohammad., (n.d), *Misbah al-Munir*, Qom: Dar al-Razi publishing house.
- Georgian, Munir., (1988). *The attitude of the Quran on the presence of women in the history of the prophets*, Tehran, Islamic Propaganda Organization. [in Persian]
- Ganjour, Mehdi., (2018). *The components of the model of tolerance with the wife from the perspective of Islam*, *the quarterly magazine of the Women's Social Cultural Council*, 13th year, number 52
- Gilani, Abdul Razzaq bin Mohammad., (2008). *Misbah al-Sharia and Miftah al-Haqiqah*, *Payam Haq Publications*, 4th edition. [in Persian]
- Hor Ameli, Muhammad bin Hasan., (1992). *Al-Wasal al-Shia to Tahsil al-Sharia*, Beirut: Al-Bait Institute. [in Arabaic]
- Hosseini Hamedani, Seyyed Mohammad Hossein, (1983), *Anwar*

- Derakhshan*, Tehran: Lotfi bookstore. [in Persian]
- Ibn Fars, Ahmad., (1983). *Ma'aqim al-Maqais al-Lagheh*, Qom: School of Islamic Studies
- Ibn Hesham, Abdul Malik bin Hesham., (1983). *Al-Sirah al-Nabawiyeh*, Beirut: Dar al-Marifah, first edition. [in Arabaic]
- Istanbuli, Mahmoud Mahdi., (2002). *Abu Nasr al-Sabi Mustafa Nisa Ahul al-Rasoul*. [in Arabaic]
- Irvani, Javad., (2018). *Why mention the contents related to the wives of the Prophet (PBUH)*. in the Qur'an, Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences
- Jafari, Abuzar., (2018). *Why the contents related to the Prophet's wives with an emphasis on new doubts*, Tafsir Studies, Year 10, Number 38. [in Persian]
- Jafari, Yaqub., (n.d.), *Tafsir Kausar*, Qom: Hejrat Publications, first edition.
- Khamehgar, Mohammad., (2012). *Criticism and evaluation of their narrations of the revelation of Surah Tahirim*, Quranic researches.
- Kilini, Muhammad bin Yaqub., (1986). *Al-Kafi*, Tehran: Dar Al-Kitab al-Islamiya, second edition, commentary by Mohammad Baqer Kamrei. [in Persian]
- Mohammadi, Mohammad Hossein., (2015). *Criticism of Orientalists' views on the Prophet's wives from the perspective of the Qur'an*, Orientalist Qur'an Research Quarterly, Year 11, Number 21. [in Persian]
- Majlesi, Mohammad Bagher., (1983). *Bihar al-Anwar al-Jameeh al-Darr*, Akhbar al-Imae al-Athar (AS). Beirut: Al-Wafa Institute
- Mohammadi Khorasani, Ali., (1997). *Commentary on Tsnat al-Mutalamin*, Qom, Dar al-Fikr, second edition. [in Persian]
- Muslim bin Hajjaj., (n.d), *Sahih al-Muslim*, Beirut: Dar al-Jeel and Dar al-Afaq al-Jadideh.
- Motahari, Morteza., (2007). *Twenty words*, Qom: Islamic publications, first edition. [in Persian]
- Motahari, Morteza., (n.d). *Collection of Works*, Qom: Sadra Publications. [in Persian]
- Muzaffar, Mohammad Reza., (2016). *Principles of Fiqh*, Najaf Ashraf: Dar al-Nu'man, second edition
- Marefat, Mohammad Hadi., (2010). *Tafsir and Mafsaran*, Qom, Tamhid Publications, 5th edition. [in Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser., (1995). *Tafsir sample*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [in Persian]
- Mofid, Muhammad bin Muhammad., (1992). *Al-Masal al-Akbariya*, research and correction: Congress of Sheikh Mufid, Bina. [in Arabic]
- Mouadeb, Seyyed Reza., (2018). *Basics of Qur'an Tafsir*, second edition,

- University of Qom,
Mirbagheri, Seyyed Mohsen., (2010). *Zaher Qur'an*, Baten Qur'an, Tehran: Mohammad Publishing. [in Persian]
- Nayini, Mirza Mohammad Hossein, (1998). *Ajud al-Taqarirat*, researcher: Khoei, Seyyed Abulqasem, Mustafavi bookstore, Qom.
- Qureshi, Ali Akbar., (1992). *Quran Dictionary*, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya. [in Persian]
-, (1998). *Tafsir Ahsan al-Hadith*, Tehran, Ba'ath Foundation, third edition. [in Persian]
- Qomi, Ali bin Ibrahim., (1988). *Tafsir attributed to Ali Ibn Ibrahim*, Qom: Darul Kitab Institute.
- Razi Abul Fattuh., (1987). *Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan in the interpretation of the Qur'an*, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [in Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad., (1991). *Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*, researched by Mohammad Seyed Kilani, Beirut: Dar al-Marifah. [in Arabic]
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali., (2014). *Examining the basics of Qur'an criticism by Dr. Soha*, Qom: Publications of Qur'an Interpretation and Science Research. [in Persian]
- Rostami, Mohammad Hassan., (2009). *The influence of aspects and similar in Persian translations*, Qur'anic and Hadith Science Research, 7th volume, number one.
- Saha., (2013). *Commentary on the Qur'an, published on the Internet sites*.
- Siyuti, Jalaluddin., (1983). *Al-Dar al-Manthor fi Tafsir al-Mathor*, Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library. [in Persian]
- Shafa, Shojauddin., (1996). *Another Birth of Ancient Iran in the New Millennium*, Tehran: Farzad Publications. [in Persian]
- Sadeghi Tehrani, Mohammad., (1986). *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: Farhang-e Eslami Publications. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein., (1996). *Al-Mizan Fi Tafsir al-Qur'an*, fifth edition, Qom, Islamic Publications Office. [in Persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan., (1981). *Majmall Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Research, Mohammad Javad Balaghi, Tehran: Nasser Khosro Publications. [in Persian]
- Tabari, Muhammad bin Jarir., (1991). *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Marafa.
- Tusi, Muhammad bin Hasan., (n.d.), *al-Tabayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar Ahya Al-Tarath al-Arabi. [in Arabic]
- Tayeb, Seyyed Abdul Hossein., (1999). *Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Islam.

بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت ...؛ مروتی و رحیمی | ۶۷

Waqidi, Muhammad bin Omar., (1998). *Al-Maghazi*, Beirut: Al-Alami Institute of Press, third edition. [in Arabic]
Zamani, Mohammad Hassan., (2015). *Orientalists and the Qur'an*, Qom: Bostan Ketab.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: مروتی، سهراب، رحیمی، معصومه. (۱۴۰۰). بررسی و نقد نظریه دکتر سُها در هدایت‌گری آیات و عدالت پیامبر(ص) با رویکردی بر سوره تحریم، دو فصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۲(۴۳)، ۳۱-۶۷.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.64962.1779



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.